

عدالت صحابه

صحابه و یاران پیامبر اکرم (ص) که در زمان حیات آن حضرت به او ایمان آورده و از محضر وی کسب معرفت کرده‌اند..

**شیعه و عدالت صحابه**

صحابه و یاران پیامبر اکرم (ص) که در زمان حیات آن حضرت به او ایمان آورده و از محضر وی کسب معرفت کرده‌اند، نزد ما شیعیان از احترام خاصی برخوردارند، چه آنان که در جنگ‌های بدر و احد و احزاب و حنین شربت شهادت نوشیدند، و چه آنان که پس از درگذشت پیامبر در قید حیات باقی ماندند. همه اینان، از حیث آنکه به پیامبر ایمان آورده و در کنار او بوده‌اند، از احترام برخوردارند، و در جهان هیچ مسلمانی نیست که به صحابه پیامبر اکرم (از آن نظر که صحابه پیامبر بوده است) بدگویی کرده یا اظهار بی‌مهری نماید، و اگر چنین نسبتی به گروهی از مسلمانان بدهند نسبتی کاملاً بی‌اساس است.

ولی در کنار این مسئله، مطلب دیگری وجود دارد که بایستی بدون هیچ تعصب یا حب و بغضی بدان رسیدگی کرد: آیا همه اصحاب، عادل و پرهیزگار و پیراسته از گناه بوده‌اند؟ یا آنکه حکم صحابه، از این نظر، حکم #171«تابعین« است که نمی‌توان همگی آنان را عادل و پارسا دانست؟

بدیهی است رؤیت پیامبر و مصاحبت با او، هر چند امری افتخار آمیز است، ولی برای هیچ انسانی مصونیت از گناه نمی‌آورد، و نمی‌توان به همه صحابه با یک نظر نگریست و همگی را عادل و پرهیزگار و پیراسته از گناه دانست، زیرا به شهادت قرآن، آنان در عین داشتن افتخار #171«صحابی بودن«، از حیث ایمان و نفاق، و اطاعت و عصیان در برابر خدا و رسول - به اصناف گوناگونی تقسیم شده‌اند که با توجه به این تقسیم بندی نمی‌توان همگان را یکسان اندیشید، و کلاً عادل و پرهیزگار دانست.

شکی نیست که قرآن یاران پیامبر را در مواقع مختلف ستوده است. (1) فی المثل از بیعت کنندگان با پیامبر(ص) در جریان صلح حدیبیه اظهار رضایت کرده و می‌فرماید: #171«لقد رضي الله من المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة« (فتح/18). اما این ستایش، بیانگر رضایت خداوند از آنان در حال بیعت #171« اذ يبايعونك« است، و دلالت بر تضمین صلاح و رستگاری همه آنان تا پایان عمر ندارد. لذا اگر فرد یا افرادی از آنان بعداً راه خلاف در پیش گرفته باشند، مسلماً رضایت پیشین الهی، گواه بر پارسایی پیوسته و رستگاری ابدی آنان نخواهد بود، زیرا شأن و مقام این گوره که مورد رضایت خدا قرار گرفته‌اند بالاتر از پیامبر نیست که درباره او می‌فرماید: #171«لئن اشرکت ليحبطن عملك و لتكونن من الخاسرين« (زمر/65): اگر به خدا شرك ورزی قطعاً عمل تو باطل شده و از زیانکاران خواهی بود.

این نوع آیات، بیانگر کمالی است که این افراد در آن حالت به دست آورده‌اند، و البته اگر تا پایان زندگی نیز آن کمال را پاس دارند، رستگار خواهند بود.

بنابر آنچه گفته شد، هرگاه دلایل قاطعی از قرآن و سنت و تاریخ بر انحراف فرد یا افرادی گواهی داد، نمی‌توان به استناد به این گونه ستایشها دلایل مزبور را رد کرد.

از باب نمونه، قرآن کریم از برخی از صحابه بعنوان #171«فاسق« یاد می‌کند و می‌فرماید #171«ان جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا« (حجرات/6). در آیه دیگر نیز درباره وی می‌فرماید: #171«أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يفتنون« (سجده/18). این فرد، به گواهی قطعی تاریخ، #171«وليد بن عقبه« از صحابه پیامبر بوده است، که در عین کسب دو فضیلت صحابی بودن و هجرت کردن، نتوانست اعتبار خود را حفظ کند و با جعل دروغ درباره طایفه بنی مصطلق، خداوند از وی به عنوان فاسق یاد کرد. (2)

با توجه به این آیه و نظایر آن (3) و نیز ملاحظه احادیثی که در نکوهش برخی از صحابه در کتب حدیث (4) وارد شده و همچنین مطالعه تاریخ زندگی برخی از آنان (5)، نمی‌توان قاطعانه همه اصحاب پیامبر را که شماره آنان از يك صد هزار تن هم متجاوز است، عادل و پارسا دانست.

آنچه که در اینجا مورد بحث و بررسی است همانا مسئله #171«عدالت همه صحابه« است، نه سب صحابه. متأسفانه برخی میان این دو مسئله فرقی نگذاشته و مخالفان در مسئله نخست را به مطلب دوم متهم می‌سازند. در خاتمه تأکید می‌کنیم که شیعه امامیه، احترام به مصاحبت با پیامبر اکرم(ص) را مانع از داوری در افعال پاره‌ای از صحابه آن حضرت نمی‌داند و معتقد است که معاشرت با پیامبر به تنهایی نمی‌تواند سبب مصونیت از گناه تا پایان عمر باشد. اساس داوری شیعه را نیز در این باره، آیات قرآنی، احادیث صحیح، تاریخ قطعی و خرد تشکیل می‌دهد.

پی‌نوشت:

1- سوره توبه آیه 100، سوره فتح آیه‌های 18 و 29، سوره حشر آیه 8 و 9.

2- به تفاسیر دو آیه فوق مراجعه شود.

3- آل عمران/153-154 احزاب/12، توبه/45-47.

4- جامع الأصول، ج 11، کتاب حوض، حدیث شماره 7972.

5- صحیح بخاری، ج 5، تفسیر سوره نور، ص 118-119.
منشور عقاید امامیه ص 242
جعفر سبحانی